رحل اصفهان؛ هنر ایستاده در باد فراموشی

رحل‌سازی در اصفهان، هنری ریشه‌دار در ایمان، چوب و سنت است که امروز زیر سایه کالاهای ارزان خارجی و تغییر سبک زندگی، بیش از گذشته به حمایت و بازمعرفی نیاز دارد.

رحل‌سازی در اصفهان تنها ساخت یک پایه چوبی برای قرار گرفتن قرآن نیست؛ این هنر، روایتی از پیوند ایمان، سنت، احترام به کلام وحی و مهارت استادکارانی است که در دل بازار تاریخی اصفهان، میراث چندصدساله صنایع دستی ایران را زنده نگه داشته‌اند.

اگر بخواهیم ردپای هنر رحل‌سازی را در ایران دنبال کنیم، بی‌تردید یکی از مهم‌ترین مقصدها اصفهان است؛ شهری که هنر چوب، قلم و نقش در آن پیشینه‌ای چندصدساله دارد و به حق پایتخت صنایع دستی ایران شناخته می‌شود.

در بازار تاریخی اصفهان، کارگاه‌های قدیمی اطراف میدان نقش‌جهان و محله‌هایی مانند دردشت، رحل‌سازی تنها یک حرفه نبوده است؛ بلکه میراثی خانوادگی، هنری و آیینی است که نسل به نسل منتقل شده و در گذر زمان، بخشی از هویت صنایع دستی این شهر را شکل داده است.

رحل‌های دست‌ساز ایرانی در بازار کشورهای اسلامی

کازرونی با انتقاد از وجود برخی رحل‌های پلاستیکی، چینی و هندی در بازار فروش و مساجد گفت: این در حالی است که کشورهای عربی و مالزی از بازارهای فروش رحل‌های ایرانی به شمار می‌روند و سفارش‌های ما در مناسبت‌هایی مانند ماه مبارک رمضان برای استفاده در مساجد این کشورها بسیار پرتقاضاست. به گفته او، استقبال برخی کشورهای اسلامی از رحل‌های ایرانی نشان می‌دهد که این هنر همچنان ظرفیت حضور در بازارهای منطقه‌ای و بین‌المللی را دارد، اما در داخل کشور نیازمند حمایت جدی‌تر، معرفی بهتر و جایگاه‌یابی دوباره در خانه‌ها، مساجد و مراکز فرهنگی است.

رحل قرآن روایتگر هنر و احترام است

سید رضا زرگر اصفهانی، دیگر سازنده رحل قرآن، یکی از ویژگی‌های مهم رحل را سادگی ساختار آن دانست و گفت: در بسیاری از نمونه‌های اصیل اصفهان، رحل بدون استفاده از میخ و تنها با هنر اتصال کام و زبانه ساخته می‌شود؛ روشی که علاوه بر استحکام، بیانگر مهارت بالای درودگران ایرانی است.

این هنرمند پیشکسوت افزود: این شیوه، نمونه‌ای از تلفیق دانش فنی و هنر سنتی در صنایع دستی ایران به شمار می‌رود. زرگر اصفهانی با بیان اینکه در بسیاری از جوامع اسلامی، قرار دادن قرآن بر روی زمین پسندیده نیست و رحل نمادی از رعایت حرمت این کتاب آسمانی است، گفت: این احترام، در گذر زمان، از یک رفتار صرفاً مذهبی فراتر رفته و به بخشی از زیست فرهنگی مردم تبدیل شده است. او معتقد است: رحل علاوه بر کارکرد عبادی، با هنرهای سنتی نیز پیوندی عمیق دارد و رحل‌های منبت‌کاری‌شده، خاتم‌کاری‌شده، معرق، مشبک و حتی نمونه‌های ساده روستایی، هر یک روایتگر ذوق، مهارت و هویت هنری مناطق مختلف کشور هستند.

قداستی که زیر چرخ‌دنده‌های مدرنیته کمرنگ می‌شود

وقتی در بازار به دنبال رحل می‌گردیم، بیش از آنکه چشممان به ظرافت چوب گردو و نقش‌ونگار گره‌چینی روشن شود، با انبوهی از رحل‌های هندی، پلاستیکی و چینی مواجه می‌شویم که نه روح دارند و نه اصالت. این کالاها، جایگزین همان رحل‌هایی شده‌اند که روزگاری در خانه‌های ایرانی، حرمت کتاب آسمانی را حفظ می‌کردند. گسترش نسخه‌های دیجیتال، تبلت‌ها و گوشی‌های هوشمند نیز ناخودآگاه باعث شده است که نگاه جامعه به ابزارهای فیزیکی مطالعه، از تکریم و آرامش به سمت سرعت، سهولت و مصرف‌گرایی سوق پیدا کند. در چنین شرایطی، رحل‌های چوبی دست‌ساز بیش از گذشته نیازمند بازمعرفی فرهنگی هستند؛ چرا که حذف آن‌ها تنها کنار رفتن یک وسیله نیست، بلکه کمرنگ شدن بخشی از آداب مواجهه با قرآن و کتابت است.

رحل؛ نشانه‌ای از تکریم، نظم و زیبایی

این کارشناس علوم قرآنی ادامه داد: رحل در ظاهر، وسیله‌ای کاربردی برای قرار گرفتن قرآن در وضعیتی مناسب هنگام قرائت است، اما در لایه‌های عمیق‌تر، مفاهیمی چون تکریم، نظم، زیبایی و آداب مواجهه با کلام وحی را در خود جای داده است. کاغذچی با بیان اینکه در بسیاری از خانواده‌های ایرانی، رحل صرفاً یک وسیله مصرفی نبود، بلکه بخشی از میراث خانه به شمار می‌رفت، گفت: این وسیله گاه از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌شد و با خاطره ختم‌های خانوادگی، شب‌های قدر، روضه‌های خانگی و صبح‌های آرام ماه رمضان گره می‌خورد.

صنایع دستی و ضرورت حمایت از رحل‌سازی

طراحی‌های نو، رحل‌های سبک و قابل حمل، استفاده از الگوهای مدرن در کنار هنرهای سنتی و عرضه آن در قالب صنایع فرهنگی، می‌تواند این میراث ارزشمند را دوباره به خانه‌ها بازگرداند.

در سال‌های اخیر، برخی طراحان جوان صنایع دستی، به‌ویژه در اصفهان، کوشیده‌اند با حفظ اصالت، رحل‌هایی متناسب با دکوراسیون امروز طراحی کنند؛ آثاری که هم کارکرد عبادی دارند و هم به عنوان عنصری هنری در فضای خانه جای می‌گیرند.

امامقلی باتوانی، کارشناس فرهنگی، در این باره گفت: رحل قرآن از منظر میراث فرهنگی نیز اهمیت فراوانی دارد و ساخت آن به مهارت‌هایی چون نجاری سنتی، منبت، خاتم، معرق و گره‌چینی وابسته است.

او که اصالتاً از مهاجران گرجستانی است و ترجمه قرآن به زبان گرجی را در کارنامه فعالیت فرهنگی و مذهبی خود دارد، حمایت از تولید رحل‌های دست‌ساز را حمایت از بخشی از هویت صنایع دستی ایران دانست. باتوانی ادامه داد: نمایشگاه‌های قرآن، بازارچه‌های صنایع دستی، فروشگاه‌های فرهنگی و مراکز آموزشی می‌توانند نقش مهمی در معرفی بهتر این هنر ایفا کنند.

رحل ایرانی در خانه‌ها و مساجد گرجستان

باتوانی با بیان اینکه برخی از اهالی گرجستان در مساجد و خانه‌های خود برای تلاوت قرآن از رحل‌های ایرانی استفاده می‌کنند، افزود: اگر رحل به درستی روایت شود، دیگر تنها یک پایه چوبی نخواهد بود، بلکه نمادی از تاریخ، هنر، ایمان و سبک زندگی ایرانی شناخته خواهد شد. به گفته او، معرفی درست این هنر در سطح داخلی و بین‌المللی، می‌تواند هم به توسعه بازار صنایع دستی کمک کند و هم بخشی از فرهنگ آیینی ایران را به نسل جدید و دیگر جوامع مسلمان منتقل سازد.

سافاری را ممنوع نکنید، مدیریت کنید

معاونت گردشگری اداره‌کل میراث‌فرهنگی، گردشگری و صنایع‌دستی استان اصفهان با انتقاد از ممنوعیت فعالیت سافاری، این تصمیم را تهدیدی برای توسعه گردشگری کویری، سرمایه‌گذاری‌های انجام‌شده و معیشت جوامع محلی دانست و بر ضرورت جایگزینی ممنوعیت با نظامی مبتنی بر ضوابط، نظارت و مدیریت مسئولانه تأکید کرد.

ورود و تردد بی‌ضابطه خودروها، موتورسیکلت‌های کراس و سایر تجهیزات آفرود در جنگل‌ها، مراتع، بیابان‌ها، کویرها و اراضی ساحلی تحت مدیریت سازمان منابع طبیعی ممنوع شد و یگان‌های حفاظت سراسر کشور موظف شدند با تشدید گشت‌ها، مستندسازی تخلفات و معرفی متخلفان به مراجع قانونی، از تخریب عرصه‌های طبیعی جلوگیری کنند.

معاون حفاظت و امور اراضی سازمان منابع طبیعی و آبخیزداری کشور با صدور ابلاغیه‌ای خطاب به مدیران کل منابع طبیعی و آبخیزداری استان‌ها بر ضرورت صیانت از عرصه‌های منابع طبیعی کشور شامل جنگل‌ها، مراتع، بیابان‌ها، کویرها، اراضی ساحلی و سایر انفال تاکید کرد و حفاظت از منابع پایه آب، خاک و پوشش گیاهی و پیشگیری از هرگونه تخریب، تصرف، تجاوز و بهره‌برداری غیرمجاز را از اولویت‌های مأموریت‌های حفاظتی سازمان برشمرد.

لغو فوری ممنوعیت سافاری

به دنبال صدور ابلاغیه ممنوعیت سافاری، داوود آبیان، معاونت گردشگری اداره‌کل میراث‌فرهنگی، گردشگری و صنایع‌دستی استان اصفهان، با صدور موضعی رسمی نسبت به اعلام ممنوعیت فعالیت سافاری در مناطق کویری واکنش نشان داد و این تصمیم را مغایر با رویکرد حمایت از صنعت گردشگری، اشتغال‌زایی و سرمایه‌گذاری در یکی از مهم‌ترین ظرفیت‌های گردشگری استان ارزیابی کرد.در این موضع آمده است: در شرایطی که صنعت گردشگری پس از فراز و فرودهای سال‌های اخیر بیش از هر زمان دیگری به حمایت، تسهیل‌گری و ایجاد ثبات در سیاست‌گذاری‌ها نیاز دارد، اعمال ممنوعیت‌های ناگهانی و فراگیر، به‌منزله محدود کردن یکی از مهم‌ترین ظرفیت‌های گردشگری استان و نوعی خودتحریمی داخلی علیه این صنعت به شمار می‌رود.

نباید کل زنجیره گردشگری کویری متحمل خسارت شوند

معاونت گردشگری استان اصفهان با تأکید بر ضرورت حفاظت از محیط‌زیست گفت: صیانت از منابع طبیعی و اکوسیستم‌های کویری ضرورتی انکارناپذیر است، اما تحقق این هدف از مسیر تعطیلی فعالیت‌های قانونی، مجاز و قابل نظارت امکان‌پذیر نیست. در صورت وقوع هرگونه تخلف، باید با متخلفان برخورد قانونی صورت گیرد و نباید کل زنجیره گردشگری کویری و فعالان قانونمند این حوزه متحمل خسارت شوند.در ادامه این موضع آمده است که سافاری به‌عنوان یکی از محصولات شاخص گردشگری کویری استان اصفهان، نقش مهمی در رونق اقامتگاه‌های بوم‌گردی، افزایش مدت اقامت گردشگران، ایجاد فرصت‌های شغلی، تقویت اقتصاد جوامع محلی، جذب سرمایه‌گذاری و معرفی ظرفیت‌های طبیعی و گردشگری مناطق کویری استان ایفا می‌کند.

تخلف باید متوقف شود، نه گردشگری مسئولانه

آبیان همچنین خواستار بازنگری در این تصمیم و لغو فوری ممنوعیت سافاری شد و پیشنهاد کرد به جای اعمال ممنوعیت کامل، چارچوبی مشخص و قابل اجرا شامل تعیین مسیرهای مجاز، مدیریت و کنترل ظرفیت، آموزش بهره‌برداران، ثبت و پایش خودروهای فعال و برخورد قاطع با متخلفان در دستور کار قرار گیرد. در پایان این موضع رسمی تأکید شده است: تخلف باید متوقف شود، نه گردشگری مسئولانه. همچنین معاونت گردشگری اداره‌کل میراث‌فرهنگی، گردشگری و صنایع‌دستی استان اصفهان بر این باور است که صنعت گردشگری استان بیش از این توان تحمل محدودیت‌های غیرضروری و تصمیم‌هایی که موجب کاهش ظرفیت‌های توسعه‌ای این بخش می‌شود را ندارد و ضروری است سیاست‌های حمایتی جایگزین رویکردهای محدودکننده شود. استان اصفهان هفت شهرستان کویری با ظرفیت‌های متنوع طبیعت‌گردی دارد. ورزنه، اردستان، کاشان، خور و بیابانک و دیگر شهرستان‌های شرقی استان، از مناطق مستعد برای توسعه گردشگری کویری و ماجراجویانه به شمار می‌روند.

خبرنگاری؛ حرفه‌ای عاشقانه

میثم نمکی اراتی

هرفعالیتی،به میزان تلاش و سرمایه ای که برای آن منظورمی شود،حاوی منفعتی است و این منفعت،بیشتر جنبه مادی و اقتصادی دارد.

بعضی فعالیت ها اما،اگرچه درنگاه دیگران پیشه و شغل وحرفه قلمداد می شوند اما به دلیل ماهیت ذاتی اش،فراتر از یک شغل و پیشه ظاهر می شوند.

منفعت این نوع فعالیت ها،عمومی و غیر شخصی بوده و برای این انتفاع همگانی هیچ معیاری نمی تواند برایش،حدود و ثغوری معین کند.

سنجه ها واندازه گیری های کمی،یارای سنجش امور کیفی را ندارند و بر این اساس ارزش گذاری برخی مشاغل و پیشه ها سخت و گاه ناممکن است.

درمیان انواع فعالیت های اجتماعی و عمومی،»خبرنگاری «درزمره پیشه هایی است که اهمیت و منزلت آن را نمی توان با معیارهای کمی سنجید.

حرفه ای که قلمرو آن گسترده،حساسیت آن ،فراوان و تاثیرگذاری آن عمیق است.

پیشه ای که علاوه بر فن و دانش و هنر، جوهره ای به نام عشق می خواهد.عموما شاهد نشر اخباری از سوی خبرنگار هستیم که انتفاعش برای یک اجتماع بزرگ و سودمندی اش برای جامعه ای به وسعت یک سرزمین است.

خبرنگاری،رسالتی مقدس درجهت کشف حقیقت و نشر واقعیت است.تعهدی است وجدانی برای حل مساله ای یا یادآوری یک موضوعی و یا بازتاب دهنده یک نوع خدمت و یا خدماتی فراگیر و عمومی. چه بسیار زمان هایی برای تنویر افکار عمومی و آگاهی های همگانی و خبر رسانی های مردمی،سختی هایی بر سر راه خبرنگاران سبز می شود که گاه اندوه بارو تلخ و گاه هزینه بر و جانفرساست.

امروزه اگرچه به برکت تکنولوژی و حتی پدیده نوظهور هوش مصنوعی،چرخه انتشارخبر و اطلاع رسانی،سرعتی مضاعف یافته و رقابت ها را درعرصه خبر و خبرنگاری سخت ترنموده است اما بی تردیدهمچنان هنرخبرنگار درخلق سوژه های ناب یا تولیدگزارش ها،یادداشت ها و گفتگوها،تحلیل ها و موضوعات نقدمحوری است که می تواند منجر به جذابیت مخاطب و ماندگاری اثرتولیدی شود.

خبرنگار،تنها راوی اتفاقات و به تعبیری وقایع نگار نیست بلکه کسی است که در حین نقش آفرینی،جریان سازی می کند و در عین جریان سازی ،فرهنگ گستری را مشی خود قرار می دهد.

از سویی قالب شکنی و گریز از قالبهای موجود و گرایش به نگرش های ایده پردازانه وخلاقانه و آینده پژوهانه، خبرنگاری را از روش سنتی به سبک های چندلایه وچند سویه سوق می دهد. ماموریتی که نشان می دهد خبرنگاری،شخصیتی جامع و ظرفیتی گسترده با اشرافی عمیق طلب می کند.

خبرنگار و روزنامه نگار،روزی نگار نیست،امانتداری است که باید صادقانه صدای جامعه باشد واین پیشه راابزاری برای منافع زودگذر نمی خواهد.

سختی های کارحرفه ای از یک سو و موانع و چالش های پیش روی خبرنگار در ایفای رسالت حرفه ای خود،ایجاب می کند که نهادها و حتی آحاد جامعه برای استمرار حکمرانی مطلوب درحوزه رسانه باید نسبت به این قشرتاثیرگذار،نگاه وعنایت ویژه ای داشته باشدچرا که اینان امنای جامعه و نجبای قومند.

خبرنگار وقتی دیده بان جامعه و عقد واسط مردم و مسئولین باشد؛حفظ حرمت و حریم حرفه ای ومنزلت اجتماعی او پر اهمیت است.

در آوردگاه اخیر نظام سلطه جهانی با میهن عزیزمان، نقش رسانه های دیداری و شنیداری و مطبوعات، بی بدیل بود. از هدایت و مدیریت محتوایی و موضوعی اخبار و رویدادها تا تولید یادداشت ها و تحلیل های روشنگرانه درجریان جنگ های پیچیده و ترکیبی،جملگی آزمون موفقیت آمیزی بود که به دست اصحاب قلم و رسانه رقم خورد و ضروری است از بانیان این مولفه ممتاز و حماسه ساز به نیکی یاد کرد و تکریم نمود.تاملی در وضعیت رسانه استان اصفهان، فرصتی است برای بازشناسی نقاط قوت و ضعف و آسیب ها و چالشهای حوزه رسانه استانی که ویژگی های منحصری دارد.

فعالیت بیش از ده روزنامه در مرکز استان و دهها پایگاه خبری،خبرگزاری و سرپرستی روزنامه های سراسری، نمره مقبولیت در نگرش کمی را با خود دارد اما ارزیابی کیفی و محتوایی فعالیت های رسانه ای ،تامل دیگری را طلب می کند.منطقه فرهنگی کاشان و شهرستانهای کاشان وآران و بیدگل نیز هر چند با فعالیت یک روزنامه سراسری به عنوان تنها روزنامه شهرستانی استان و داشتن رادیو مستقل کاشان و بیش از چهل پایگاه خبری و دهها نمایندگی خبرگزاری و مطبوعات،رتبه دوم آمار استان اصفهان را داراست اما همچنان فقدان تشکلی صنفی چون خانه مطبوعات و ضعف امکانات نرم افزاری و فنی،فعالان این عرصه با مشکلاتی مواجه ساخته که نیازمند تعاملات چند سویه است.

با گرامی داشت شهدای عزیز حوزه رسانه و روزنامه نگاران فقید منطقه کاشان امید می رود بزرگداشت روز خبرنگار تنها در تجلیلی یک روزه خلاصه نشود و بدلیل ماهیت و اهمیت فعالیت های رسانه ای،همواره توجه به رسانه ها در صدر اولویت های مدیریتی و برنامه ریزی قرار گیرد.

سیبه‌های شهرضا؛ معماری برای آسایش و امنیت

معماری سنتی شهرضا، فراتر از یک ساخت‌وساز ساده، مجموعه‌ای از گنجینه‌های فرهنگی و امنیتی است. کوچه‌هایی که پیش‌تر در اصطلاح محلی «سیبه» نامیده می‌شدند، نه تنها نقش مهمی در تعدیل اقلیم و ایجاد خنکای دلپذیر در تابستان داشتند، بلکه از جنبه‌های امنیتی و دفاعی نیز در بافت قدیمی شهر نقش ایفا می‌کردند.

به گزارش فارس، «سیبه»، واژه‌ای کهن و مهجور در بافت تاریخی شهرهایی چون شهرضا، یادگاری از معماری هوشمند نیاکان این سرزمین است. این واژه در لغت‌نامه‌ها به «کوچه‌ای باریک، بن‌بست و معمولاً سرپوشیده (مسقف)» معنا شده که راه دسترسی چند باب خانه به کوچه اصلی بوده است. هرچند در برخی منابع، «سیبه» به معنای شهر دارای حصار و بارو نیز آمده، اما در گویش اصفهانی و در بافت شهرضا، این واژه دقیقاً به همان دالان‌های سقف‌داری اطلاق می‌شده که راویان محلی از آن سخن گفته‌اند.این دالان‌های خنک و سایه‌گستر، پاسخی مبتکرانه به اقلیم گرم و خشک فلات مرکزی ایران بودند؛ پناهگاهی امن در برابر تابش سوزان تابستان و باران‌های سرد زمستان، که با مصالحی بومی همچون خشت خام و تیرهای چوبی ساخته می‌شدند. «سیبه»ها فراتر از یک گذرگاه صرف، کارکردی اجتماعی و تدافعی نیز داشتند و با اتصال پشت‌بام‌ها به یکدیگر، شبکه‌ای از همبستگی و امنیت را در محلات قدیمی شکل می‌دادند.امروز اما این عناصر ارزشمند در سایه گسترش شهرنشینی مدرن رو به فراموشی‌اند و تنها خاطره آنها در میان پیشکسوتان و راویان فرهنگی همچون مصطفی جهانمردی، زنده نگاه داشته شده است.

روایت سیبه‌های پر خاطره شهرضا

مصطفی جهانمردی، فعال فرهنگی در شهرضا با بیان اینکه در شهرضا قبلا کوچه‌ها را «سیبه» می‌نامیدند، می‌گوید: این اصطلاح هنوز هم کم و زیاد بین افراد اصیل شهرضا خصوصا مسن‌ترها رایج است. او می‌افزاید: سیبه‌های شهرضا از وجود دالان‌ها عاری نبود و به تعداد بسیار در بیشتر محلات دیده می‌شد. سقف این دالان‌ها اکثراً ضربی و با خشت خام بود البته بعضی دالان‌ها با تیر چوبی بود. در بیشتر مکان‌ها حتی لایه کاهگل هم نداشت و خشت‌های کار شده به خوبی نمایان بود و زیبایی خاصی داشت.

سیبه، پناهگاهی در دل گرمای تابستان

جهانمردی ادامه داد: افرادی که از زیر این دالان‌ها رد می‌شدند اگر فصل تابستان بود در آن گرمای طاقت‌فرسا زیر این دالان‌ها خنکای دلچسبی را احساس می‌کردند به گونه‌ای که با وجود کارهای بدنی و سخت آن روزگار خستگی از تنشان بیرون می‌رفت و آرامش دلنشینی به آنان دست می‌داد.این معلم بازنشسته ادامه می‌دهد، همچنین موقع بارش باران و برف خصوصا در فصل سرد زمستان نیز این دالان‌ها مکانی برای پناه گرفتن افراد بود تا خود را برای عبور از محل و رسیدن به منزل یا محل مورد نظرشان آماده کنند. او با اشاره به اینکه عبور سواره‌ها از زیر این دالان‌ها به سختی صورت می‌گرفته و حتی شاید مجبور به پیاده شدن بودند، گفت: چون ارتفاع آنها در محله‌ها پایین بود البته این ارتفاع به شهر و محل مورد نظر بستگی داشت. جهانمردی اعتقاد دارد شاید وجود این سقف‌ها از حرکت سریع افراد غریب و مهاجم به محله‌ها جلوگیری می‌کرده است. از طرفی خانه‌ها از طریق سقف این دالان‌ها روی پشت‌بام به همدیگر دسترسی داشتند تا بتوانند در مقابل مهاجمان یکدیگر را یاری کرده و یا به منازل هم پناه ببرند.

سیبه‌ها هنگام غروب محل تجمع زنان و کودکان بود

سیبه‌های قدیم شهرضا هنگام غروب محل تجمع زنان و کودکان در اطراف آنها بود. زیر این دالانچه‌ها و یا کنار کوچه‌ها محل مناسبی برای تجمع‌شان بود؛ آنان اکثرا کارهای دستی و خانگی خود را در کنار کوچه و دور هم انجام می‌دادند.این فعال فرهنگی در این باره می‌افزاید: قبل از نشستن با آفتابه‌ای آب، آنجا را آب و جارو وتمیز و خنک می‌کردند. به مرور زنان و دختران چند خانه در قسمت معینی از سیبه تجمع می‌کردند. هر کس از دری سخن می‌گفت شاید این درددل کردن‌ها موجب آرامش روحی آنان و سبک شدن دردهای نهفته‌شان می‌شد. اگر تنگدست بودند و وضع مالی مناسبی نداشتند سختی‌ها را با هم شریک می‌شدند و در صورت لزوم گره از کار هم می‌گشودند. او می‌گوید: این نشستن‌های عصرانه با بیکاری میانه‌ای نداشت از آنجا که در بیشتر خانه‌ها زنان و دختران قالی می‌بافتند، بعد از چند ساعت روی قالی نشستن در بیرون منزل و کنار همسایه‌ها محل خوبی برای آماده کردن چله و خامه قالی بود.جهانمردی گفت: کمی قدیم‌تر در همه خانه‌ها چرخ‌های ریسندگی دستی وجود داشت که زنان به وسیله آن پشم و پنبه را به نخ مورد استفاده تبدیل می‌کردند و این تولید توسط زنان در منزل صورت می‌گرفت ولی عصرها در کنار همسایه‌ها انجام کار لطف و صفایی دیگر داشت. جهانمردی تصریح می‌کند که رایج‌ترین کار خانگی در شهرضا که تقریبا در همه مکان‌ها و مواقع قابلیت انجام داشت بافت رویه گیوه بود. بافت رویه گیوه مکمل کار مردانی بود که در خانه و یا بازار تختش را درست می‌کردند که به آنان تخت‌کش می گفتند.وی گفت: بیشتر زنان در حال نشسته رویه گیوه را بر زانوهایشان شروع به چیدن می‌کردند (لازم به ذکر است که بافتن گیوه را در شهرضا گیوه‌چینی یا در اصل گووه چینی می‌گفتند).

وقتی خشت و کاهگل، مهربانی را روایت می‌کند

معماری اصیل ایرانی، علاوه بر ساخت و سازهای متعارف، مجموعه‌ای از گنجینه‌هایی است که در معماری سرزمین‌های دیگر به ندرت یافت می‌شود. آن روزهای قدیم همه چیز از روی صداقت و مهربانی بود این مهرورزی حتی در معماری آنان نیز به چشم می خورد.در پایان، می‌توان گفت «سیبه»های شهرضا تنها یک عنصر معماری کهن نیستند؛ بلکه تمام‌نمایی از خرد اقلیمی، همبستگی اجتماعی و هوش تدافعی نیاکان این سرزمین به شمار می‌آیند.

۴۰۰ سال تاریخ عصارخانه جماله در انتظار احیا

معاون اداره کل میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی استان اصفهان با اشاره به ظرفیت‌های بی‌نظیر عصارخانه جماله گفت: احیای این بنای ۴۰۰ ساله نیازمند توافق مالکان و ورود سرمایه‌گذاران است.

سید روح‌الله سیدالعسگری ضمن تأکید بر اصالت تاریخی این بنا، اظهار داشت: عصارخانه جماله یکی از بی‌نظیرترین نمونه‌های تاریخی عصارخانه ایران است چرا که به دلیل عدم دخل و تصرف و حفظ فضای اصیل خود، گویی بازدید کننده را به چهارصد سال پیش بازمی‌گرداند.

معاون میراث فرهنگی اصفهان در تشریح چالش‌های موجود این بنا، به مساله تعدد مالکان اشاره و بیان کرد: بخشی از آن در اختیار میراث فرهنگی است که آمادگی داریم طبق روال قانونی (مانند ماده ۲۷ یا ۸۰) سهم خود را به سرمایه‌گذار واگذار کنیم اما بخش دیگر در اختیار مالکان شخصی است. او افزود: ما با مالکان مختلفی برای ورود سرمایه‌گذار مذاکره کرده‌ایم اما مشکل اصلی، عدم توافق بر سر قیمت است.

برخی از مالکان مبالغی را درخواست می‌کنند که با قیمت‌های کارشناسی فاصله بسیار زیادی دارد و همین امر، مانع اصلی حضور سرمایه‌گذاران باسابقه و علاقه‌مند به احیای این بنا شده است.

سیدالعسگری با اشاره به اقدامات انجام شده در سال‌های اخیر گفت: به دلیل آسیب‌های ناشی از بارندگی در سال‌های گذشته، در ۲ مرحله و با صرف اعتباری بالغ بر ۳۵ میلیارد ریال (قراردادهای ۲۰ و ۱۵ میلیارد ریالی)، عملیات مرمت سقف، درها و بدنه‌ها را انجام دادیم تا از ریزش بیشتر بنا جلوگیری شود.

او در ادامه برآورد هزینه‌های آینده را مشخص کرد و اظهار داشت: با وجود این اقدامات، برای احیای کامل و تبدیل این بنا به یک موزه استاندارد، به اعتباری بسیار فراتر نیاز است.

برآوردهای اولیه بر اساس قیمت‌های سال گذشته، نیاز به حدود ۴۰۰ تا ۵۰۰ میلیارد ریال اعتبار را نشان می‌دهد که با توجه به تغییرات اقتصادی، می‌تواند متفاوت باشد.

معاون میراث فرهنگی استان اصفهان با تاکید بر اهمیت بنای عصارخانه و انتقاد از روند فعلی، خواستار مداخله دستگاه‌های بالادستی برای تعیین تکلیف وضعیت مالکیت و ایجاد بسترهای قانونی شفاف جهت ورود سرمایه‌گذاران بخش خصوصی شد.